

آزادی مطبوعات و طبقه ی کارگر

[مقاله ی آزادی مطبوعات و طبقه ی کارگر برای اولین بار در سال ۱۹۳۸ در یک مجله ی تئوریک مکزیک به نام کلیو (کلید) منتشر شد. در این مقاله ی کوتاه لئون تروتسکی به شرح موضع مارکسیزم انقلابی در دفاع از آزادی مطبوعات می پردازد. با آن که این مقاله در رابطه با فعالیت های ضد دموکراتیک استالینیست ها در سال ۱۹۳۸ در مکزیک نوشته شده، ولی محتوی سیاسی آن به جریان اختناق مطبوعات در ایران و سایر کشورها کاملاً مربوط است. مشخصاً با تأکید بر اصول و اندکی تغییر در جزئیات، آزادی مطبوعات و طبقه ی کارگر می توانست پاسخی به حملات سران ارتش و حزب کمونیست پرتغال به آزادی مطبوعات- به خصوص توقیف روزنامه ی حزب سوسیالیست این کشور، ریورلیکا- باشد (رجوع شود به مقاله ی بحران رهبری در تحولات انقلابی پرتغال، در همین شماره ی پیام دانشجو). این مقاله از مجله ی هفتگی اینترکانتینانتال پرس (چاپ نیویورک)، شماره ی ۹ ژوئن ۱۹۷۵، توسط سیاوش نواب به فارسی ترجمه شده است. حسن محقق.]

در حال حاضر در مکزیک، یک رشته مبارزات بر ضد مطبوعات ارتجاعی جریان دارد. این حمله توسط رهبران کنفدراسیون کارگران مکزیک و یا به طور مشخص تحت رهبری شخص آقای لومباردو تولدو/ هدایت می شود. هدف "تحدید" مطبوعات ارتجاعی است: با قرار دادن آن ها تحت سانسور دموکراتیک و یا به طور کلی توقیف آن ها. سندیکاهای کارگری را برای این جنگ بسیج کرده اند. دموکرات های شفافانپذیری که تجربه ی مسکوی استالینیست فاسدشان کرده و توسط "دوستان" گ. پ. او. [پلیس مخفی شوروی] رهبری می شوند، از این مبارزه که نامی جز خودکشی برای آن پیدا نمی توان کرد، استقبال کرده اند. در واقع پیش بینی این امر غیرممکن نیست که در صورت پیروزی این مبارزه و حصول نتایج عملی که سخت به مذاق لومباردو تولدانو مزه کرده، عواقب نهائی آن پیش از همه متوجه طبقه ی کارگر خواهد شد.

تئوری و تجربیات تاریخی هر دو بر این حقیقت شهادت می دهند که هرگونه تحدید دموکراسی در جامعه بورژوائی، در تحلیل نهائی درست مانند وضع هرگونه مالیات که همواره بر گرده طبقه ی کارگر سنگینی خواهد کرد، پیوسته متوجه پرولتاریا خواهد بود. دموکراسی بورژوائی تا آن جا به درد پرولتاریا می خورد که راه را برای توسعه ی مبارزه ی طبقاتی بگشاید. در نتیجه هر "رهبری" از طبقه ی کارگر که دولت بورژوائی را به سلاح کنترل اذهان عمومی به طور اعم، و کنترل مطبوعات به طور اخص تسلیح کند، به معنای دقیق کلمه خائن است. در تحلیل نهائی، تشدید مبارزه ی طبقاتی جناح های مختلف بورژوازی را به سوی توافق سوق می دهد. آن وقت آنان دست به تصویب قوانین ویژه ای می زنند، انواع تضییقات را فراهم می کنند و سانسورهای "دموکراتیک" علیه طبقه ی کارگر به مورد اجرا می گذارند. هر کس که هنوز این مطلب را نفهمیده باشد باید از صفوف طبقه ی کارگر بیرون برود.

بعضی از "دوستان" اتحاد شوروی اعتراض کرده خواهند گفت "ولی بعضی مواقع دیکتاتوری پرولتاریا مجبور می شود که به اقدامات ویژه ای دست بزند، علی الخصوص علیه مطبوعات ارتجاعی".

ما پاسخ می دهیم "در اصل این اعتراض به این جا ختم می شود که انسان سعی کند یک دولت کارگری را با یک دولت بورژوائی یکی بگیرد. با وجودی که مکزیک یک کشور نیمه مستعمره است لکن در عین حال یک دولت بورژوائی هست و به هر طریق یک دولت کارگری نیست. ولی حتی از نقطه نظر منافع دیکتاتوری پرولتاریا، اقداماتی نظیر توقیف مطبوعات بورژوائی و یا سانسور آن ها، ابداً یک "برنامه" و یا یک "اصل" و یا یک اقدام مطلوب نیست. اقداماتی از این دست، تنها به منزله ی حرکتی است زشت اما موقت و اجتناب ناپذیر."

پرولتاریا پس از کسب قدرت، ممکن است مجبور شود برای مدتی معین اقدامات خاصی علیه بورژوازی بکند، یعنی اگر بورژوازی علناً رفتاری یاغیانه نسبت به دولت کارگری در پیش گیرد. در آن صورت تحدید آزادی مطبوعات نیز به همراه سایر اقداماتی که در جنگ داخلی اتخاذ شود عملی خواهد شد. طبیعی است که اگر انسان مجبور شود هواپیما و توپ خانه بر علیه دشمن به کار گیرد، نمی تواند به همان دشمن اجازه دهد که مراکز خبری و تبلیغاتی خود را در اردوی مسلح پرولتاریا حفظ کند. با تمام این احوال، در این مواقع نیز، اگر این اقدامات خاص تا آن اندازه گسترش یابند که به صورت الگویی در آیند، این خطر را خواهند داشت که از کنترل خارج شوند، و بوروکراسی کارگری یک انحصار سیاسی به دست آورد که به نوبه ی خود یکی از عوامل انحطاط دولت کارگری خواهد شد.

ما در مقابل خود مثال زده ای از چنین قانون تحول را داریم و آن خفقان نفرت انگیزی است که بر آزادی سخن و مطبوعات هم اکنون در اتحاد شوروی حکومت می کند. این خفقان ربطی به منافع دیکتاتوری پرولتاریا ندارد. بلکه برعکس، برای این طرح شده است تا در مقابل مخالفت کارگران و دهقانان از منافع فشر جدید حاکم محافظت کند. از همین بوروکراسی بناپارتیستی در مسکو است که آقای لومباردو تولدانو و شرکاء میمون وار تقلید می کنند و در نتیجه حیات سیاسی خود را با منافع سوسیالیزم یکی می گیرند.

وظایف واقعی دولت کارگری این نیست که به دور گردن اذهان عمومی قلابه پلیسی ببندد، بلکه برعکس این است که آن را از یوغ سرمایه آزاد کند. این کار تنها از طریق قرار دادن وسایل تولید، منجمله وسایل تولید اطلاعات عمومی، در اختیار کل جامعه صورت می گیرد. موقعی که این قدم اساسی سوسیالیستی برداشته شد، باید به تمام تمایلات موجود در اذهان عمومی که علیه دیکتاتوری پرولتاریا دست به اسلحه نبرده اند فرصت داد تا آزادانه عقاید خود را بیان کنند. این وظیفه ی دولت کارگری است که به تناسب تعداد اعضای شان، وسایل فنی مورد لزوم مانند کاغذ، وسایل چاپ و حمل و نقل را در اختیارشان قرار دهد. یکی از علل اصلی انحطاط دستگاه دولتی این است که بوروکراسی استالینیستی حق انحصاری مطبوعات را در دست دارد که تمام دست آوردهای انقلاب اکتبر را در خطر ویرانی محض قرار داده است.

اگر غرض ما پیدا کردن نمونه هائی از نفوذ مخرب کمینترن در نهضت های کارگری کشورهای مختلف باشد، باید بگوئیم، فعالیت کنونی لومباردو تولدانو یکی از شگفت ترین آن هاست. در واقع تولدانو و طرف دارانش می کوشند که وسایل و روش هائی را وارد سیستم بورژوا- دموکراتیک کنند که ممکن است در شرایط موقت، تحت یک دیکتاتوری پرولتاریائی اجتناب ناپذیر باشند. علاوه بر این، آن ها در واقع این روش ها را از دیکتاتوری پرولتاریا به وام نمی گیرند، بلکه برعکس آن ها را از بناپارتیست هائی که غاصب این دیکتاتوری هستند به عاریه می گیرند. به عبارت دیگر، آن ها بر این بورژوا، دموکراسی مریض، و پروس بیماری بوروکراسی استالینیستی در حال زوال را تزییق می کنند.

دموکراسی بی رمق مکزیک را دو خطر کشنده و دائم از دو جهت مختلف تهدید می کند: اول، امپریالیسم خارجی و دوم، مأموران ارتجاعی داخلی که پُرتیراژترین نشریات را در اختیار دارند. ولی آدم باید کور و کورن باشد که تصور کند که با توقیف مطبوعات ارتجاعی، کارگران و دهقانان قادر خواهند بود خود را از قید نفوذ عقاید ارتجاعی خلاص کنند. در حقیقت تنها وسیع ترین آزادی بیان و آزادی مطبوعات و تشکیل اجتماعات می تواند شرایط مناسب را برای پیشبرد نهضت انقلابی طبقه کارگر به وجود آورد.

این ضروری است که مبارزه ای شدید علیه مطبوعات ارتجاعی به عمل آید. ولی کارگران نمی توانند اجازه دهند که مشت سرکوب کننده دولت بورژوائی جانشین مبارزاتی شود که خود باید از طریق سازمان ها و مطبوعات خود بدان دست بزنند. ممکن است امروز چنین به نظر آید که دولت

نسبت به سازمان های کارگری "روی خوش" نشان می دهد، ولی فردا، ممکن است حکومت به دست ارتجاعی ترین عناصر بورژوازی بیفتد، امری که به ناچار اتفاق خواهد افتاد. در آن صورت، تمام قوانین تحدیدکننده موجود، بر ضد کارگران به کار گرفته خواهند شد. تنها ماجراجویانی که به فکر هیچ چیز جز احتیاجات لحظه ای نیستند به وجود چنین خطری بی اعتناء هستند.

مؤثرترین راه برای مبارزه با مطبوعات بورژوائی گسترش مطبوعات طبقه ی کارگر است. البته، نشریات زردی در ردیف ال پاپیورلار قادر به انجام چنین وظیفه ای نیستند. چنین ورق پاره هائی جائی در میان مطبوعات کارگری، انقلابی و یا حتی مطبوعات معتبر دموکراتیک ندارند. نشریه ال پاپیولار در خدمت جاه طلبی شخص آقای لومباردو تولدانو است که او نیز به نوبه ی خود در خدمت بوروکراسی استالینیستی است. روش این روزنامه دروغ است و تشویق به بگیر و ببند و تحریف عقاید که همانا روش تولدانو نیز هست. روزنامه ی تولدانو نه برنامه ای دارد و نه عقیده ای. واضح است که چنین ورق پاره ای هرگز نمی تواند حتی یک واکنش سالم در طبقه ی کارگر ایجاد کند و پرولتاریا را از اطراف مطبوعات بورژوائی دور و به سوی خود جلب کند.

لذا، به یک نتیجه ی اجتناب ناپذیر می رسیم و آن این که مبارزه علیه مطبوعات بورژوائی با بیرون انداختن "رهبران" منحط از سازمان های طبقه ی کارگر آغاز می شود؛ به خصوص با آزاد ساختن مطبوعات کارگری از قید لومباردو و تولدانو و سایر جاه طلبان بورژوائی. پرولتاریای مکزیک باید روزنامه ی صادقی داشته باشد که احتیاجات او را بیان کند، از منافعش دفاع کند، افقش دیدش را وسیع گرداند و راه را برای انقلاب سوسیالیستی در مکزیک همواره کند. این چیزی است که روزنامه ی کلیو در نظر دارد انجام دهد. لذا، ما کار خود را با اعلام جنگی سخت علیه لاف زنی دوزخی بناپارتیستی تولدانو آغاز می کنیم. در این کوشش خود، ما به انتظار حمایت تمام کارگران مترقی، مارکسیست و دموکرات های واقعی هستیم.

لنون تروتسکی

۲۱ اوت ۱۹۳۸

بازنویس: یاشار آدری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آدری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴